



مدیر حقوق

دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳



تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی
همایون مافی، محسن رئیسی
 نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران
امیررضا محمودی، زهرا رهنا
 شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام آن
رحیم مختاری، علی سلطانی شیرزاده
 بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران
شیما شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا
 آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بگی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور
روح الله شیخی، محمد محمودی
 چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار
رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز
 دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی
 مسئولیت سازندگان ساختمان و حقوق مجاورین ناشی از آلودگی صوتی ساختوسازها
رحیم مختاری، نازنین زهرا جوکار
 تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران
حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی
 راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی
فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور
 واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی
حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزمگی
 توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا
حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی
 عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران
ایرج مروتی، نغمه فرهود
 توافق طرفین در ارجاع دعوی به داوری در مرحله تجدیدنظر
رحیم مختاری، زهرا عمادی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم
مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی
 پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند
هادی زارع، مجید وزیری
 تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان
زینب تاری
 مسئولیت سازنده و حقوق مجاورین ناشی از به کارگیری جرثقیل‌های برجی
رحیم مختاری، احسان یوسفی
 انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک
امیررضا علی تبار
 جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی
محبوبه طالبی رستمی
 تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی
سیدامیرحسین مصطفوی
 مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران
وحید کیومرثی
 مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان
(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)
راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید
 بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی
سیده مهشید میری بالاچورشیری
 مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی
سینا یوسفی
 مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان
رحیم مختاری، ابراهیم شیروانی
 تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی
محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی
 آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت یتیمی املاک در نظام حقوقی ایران
احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه
 دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی
رادمهر رحمانی گل افشان
 پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در ایران، امارات متحده عربی و قطر
عبدالمجید یوسفی
 رویکرد رویه قضایی در ترمیم دادرسی از طریق اضافه کردن اشخاص به دادرسی
رحیم مختاری، سعید شیروانی
 جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین
یاسر شاکری



How to File Class Action Lawsuits and How to Enforce Their Rulings

شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام آن

Rahim Mokhtari

Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

رحیم مختاری

استادیار، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

r_mokhtari@iau.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0002-5942-7274>

Ali Soltani Shirzade

PhD student in Private Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran (Corresponding Author)

علی سلطانی شیرزاده

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

ali.soltani.2212@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0005-3790-2504>

Abstract


The expansion of disputes arising from similar conduct by public authorities, business entities, and providers of mass services has posed significant challenges to civil justice systems, including repetitive litigation, procedural delay, and difficulties in the effective enforcement of judgments. In this context, class actions serve as a procedural mechanism capable of structuring the adjudication of collective disputes. However, the principal challenge of this mechanism lies not in the possibility of initiating such claims, but in the absence of a clear procedural model governing their initiation and in the uncertainty surrounding the issuance and enforcement of judgments with collective effects. This article focuses exclusively on the procedural and enforcement dimensions of class actions and deliberately refrains from engaging in substantive or theoretical discussions. The central question is how, within existing legal frameworks, a coherent and operational process may be designed for the filing of collective claims, the management of procedural adjudication, the rendering of judgments, and the enforcement of decisions in a manner that prevents procedural fragmentation and the proliferation of ancillary disputes. Adopting a descriptive-analytical approach, the study draws upon domestic and comparative legal sources and materials relating to collective litigation management. The findings indicate that the effectiveness of class actions depends primarily on the existence of an integrated procedural structure extending from claim initiation to enforcement. The article concludes by proposing procedural and practice-oriented measures, emphasizing the standardization of procedural tools and the development of a unified model for issuing and enforcing judgments in collective litigation.

Keywords: Class Actions, Procedural Initiation of Claims, Procedural Adjudication, Enforcement of Judgments, Collective Litigation Management.

چکیده

گسترش اختلافات ناشی از رفتارهای مشابه نهادهای عمومی، بنگاه‌های اقتصادی و ارائه‌دهندگان خدمات انبوه، نظام دادرسی مدنی را با چالش‌هایی چون تکرر دعاوی مشابه، اطاله رسیدگی و دشواری در اجرای مؤثر احکام مواجه ساخته است. در این میان، دعاوی گروهی به‌عنوان یک سازوکار شکلی می‌توانند زمینه سامان‌دهی رسیدگی به اختلافات جمعی را فراهم آورند. با این حال، چالش اصلی این نهاد نه در امکان طرح دعوا، بلکه در فقدان الگوی روشن برای شیوه طرح شکلی دعوا و نیز ابهام در نحوه صدور رأی و اجرای احکام با آثار جمعی است. این پژوهش با تمرکز صرف بر بعد شکلی و اجرایی، به بررسی شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام ناشی از آن می‌پردازد و از ورود به مباحث ماهوی و نظری خودداری می‌کند. پرسش اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان در چهارچوب قواعد موجود، فرآیندی منسجم و عملی برای ثبت دعوا، مدیریت رسیدگی شکلی، صدور رأی و اجرای احکام طراحی کرد، به‌گونه‌ای که از پراکندگی رسیدگی و تکثیر دعاوی فرعی جلوگیری شود؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها با بهره‌گیری از منابع داخلی و خارجی و مطالعات مرتبط با مدیریت دعاوی جمعی گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند کارآمدی دعاوی گروهی بیش از هر چیز به طراحی شکلی منسجم از مرحله طرح دعوا تا اجرای حکم وابسته است. در پایان، پژوهش با ارائه پیشنهادهای شکلی و اجرایی، بر ضرورت استانداردسازی ابزارهای دادرسی گروهی و طراحی الگوی یکپارچه برای صدور و اجرای احکام تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: دعاوی گروهی، شیوه طرح دعوا، رسیدگی شکلی، اجرای احکام، مدیریت دادرسی جمعی.

<p>ارجاع: مختاری، رحیم؛ سلطانی شیرزاده، علی؛ (۱۴۰۴)، شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام آن، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>  <p>CC BY-NC-SA</p>


مقدمه

در سال‌های اخیر، افزایش دعاوی ناشی از رفتارهای مشابه یا تصمیمات واحد نهادهای عمومی، بنگاه‌های اقتصادی و ارائه‌دهندگان خدمات انبوه، موجب شده است که دستگاه قضایی با حجم قابل توجهی از پرونده‌های مشابه مواجه شود. رسیدگی پراکنده و فردی به این دعاوی، علاوه بر تحمیل بار مضاعف بر نظام قضایی، منجر به بروز دشواری‌های عملی در مدیریت پرونده‌ها، اطاله دادرسی و پیچیدگی در اجرای احکام شده است. در چنین شرایطی، دعاوی گروهی به‌عنوان یک سازوکار شکلی برای سامان‌دهی رسیدگی به دعاوی متعدد، نقش مهمی در نظم‌بخشی به فرآیند دادرسی ایفاء می‌کنند.

با این حال، تجربه عملی نشان می‌دهد که چالش اصلی در حوزه دعاوی گروهی، نه در اصل امکان طرح این دعاوی، بلکه در نبود الگوی روشن برای نحوه ثبت، تنظیم و مدیریت شکلی دعوا و نیز ابهام در چگونگی اجرای احکام صادره با آثار جمعی است. در بسیاری از موارد، عدم تعیین رویه مشخص در مرحله طرح دعوا، موجب پراکندگی رسیدگی، تعدد دعاوی مشابه و دشواری در شناسایی ذینفعان در مرحله اجرای حکم می‌شود. همچنین، در مرحله اجرا، فقدان سازوکار سامان‌یافته برای تفکیک حقوق افراد، ثبت مطالبات، جلوگیری از سوءاستفاده و مدیریت منابع اجرایی، اجرای

مؤثر احکام را با موانع عملی مواجه می‌سازد. از این رو، تمرکز این پژوهش به صورت خاص بر شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام مربوط به این دعاوی قرار گرفته است. در این پژوهش از ورود به مباحث مربوط به ماهیت دعاوی گروهی، مبانی نظری، فلسفه پذیرش این دعاوی یا تحلیل شرایط ماهوی مسئولیت خودداری می‌شود و صرفاً از منظر شکلی، اجرایی و کاربردی، فرآیندهای عملی مرتبط با دعاوی گروهی بررسی می‌گردد.

پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان در چهارچوب قوانین موجود، شیوه‌ای منسجم، عملی و قابل اجرا برای طرح دعاوی گروهی و اجرای احکام آن طراحی کرد، به گونه‌ای که ضمن حفظ نظم شکلی دادرسی، امکان اجرای مؤثر رأی نسبت به جمع ذینفعان فراهم شود؟ در پاسخ به این پرسش، پژوهش با اتکاء به منابع معتبر داخلی و خارجی، مطالعات تجربی، تجارب مدیریتی در پرونده‌های جمعی و تحلیل رویه‌های عملی، می‌کوشد الگوی کاربردی برای مراحل مختلف از ثبت دادخواست تا اجرای نهایی حکم ارائه دهد.

به نظر می‌رسد تمرکز بر بعد اجرایی دعاوی گروهی، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کارآمدی نظام دادرسی مدنی ایفاء کند؛ زیرا سامان‌دهی شکلی طرح دعوا و طراحی سازوکارهای مشخص برای اجرای احکام، نه تنها از پراکندگی دعاوی مشابه جلوگیری می‌کند، بلکه امکان استفاده مؤثر از نتایج رسیدگی‌های جمعی را در عمل فراهم می‌سازد. افزون بر این، ارائه پیشنهادهای اصلاحی در حوزه مقررات شکلی و آیین اجرای احکام، می‌تواند زمینه ارتقای هماهنگی میان مراجع قضایی و واحدهای اجرای احکام را فراهم آورد.

در ادامه، در فصل نخست به شیوه طرح دعاوی گروهی در نظام حقوقی ایران از منظر شکلی و اجرایی پرداخته و مراحل ثبت، تنظیم دادخواست، مدیریت اولیه پرونده و رسیدگی شکلی را بررسی می‌گردد. سپس در فصل‌های بعدی، نحوه مدیریت رسیدگی شکلی، قالب تنظیم رأی قابل اجرای جمعی و در نهایت شیوه اجرای احکام در دعاوی گروهی که از مهمترین مباحث است به صورت تفصیلی و کاربردی تحلیل خواهد شد.

افزون بر چهارچوب کلی شیوه طرح و اجرای دعاوی گروهی، در مسیر بررسی این نهاد، پرسش‌های شکلی و اجرایی مشخصی مطرح می‌شود که پاسخ به آن‌ها، بخشی از محتوای این پژوهش را تشکیل می‌دهد. از جمله این که در مرحله طرح دعوا، آیا ذکر خواهان یا خواهان‌ها به صورت فردی ضروری است یا معرفی گروه بر مبنای وصف حقوقی کفایت می‌کند؟ وضعیت تعیین خواننده یا خواندگان چگونه باید سامان یابد؟ هزینه دادرسی در این نوع دعاوی بر عهده چه شخص یا اشخاصی قرار می‌گیرد؟ دادگاه صالح برای رسیدگی بر چه مبنایی تعیین می‌شود؟ همچنین، در مرحله صدور رأی و اجرای احکام، این پرسش مطرح است که اجرای حکم به صورت کلی نسبت به گروه انجام می‌شود یا هر ذینفع مکلف به پیگیری مستقل اجرای رأی خواهد بود؟ این پرسش‌ها، نه از منظر ماهوی، بلکه صرفاً از حیث شیوه طرح دعوا، شیوه رسیدگی شکلی و نحوه اجرای احکام مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- شیوه طرح دعاوی گروهی

۱-۱- ثبت و آغاز دعوا در پرونده‌های دارای آثار گروهی

مرحله ثبت دعوا در پرونده‌هایی که آثار آن متوجه گروهی از اشخاص است، باید به گونه‌ای طراحی شود که از ابتدا ماهیت جمعی اختلاف و گستره شمول اشخاص ذینفع قابل تشخیص باشد. در دعاوی گروهی، طرفین دعوا ممکن است نه به صورت فردی، بلکه بر اساس وصف گروهی و وضعیت مشترک حقوقی معرفی شوند، به گونه‌ای که هویت دقیق همه اعضا در آغاز مشخص نباشد و صرفاً از طریق توصیف حقوقی شناخته شوند (نهرینی و یوسف‌زاده، ۱۴۰۱، ۶۶).

در این چهارچوب، ثبت دعوا نباید مشابه دعاوی فردی تلقی شود، زیرا ساختار گروهی دعوا اقتضاء دارد که شیوه طرح از ابتدا بر مبنای آثار جمعی، امکان نمایندگی شکلی و قابلیت مدیریت حجم گسترده ذینفعان سامان یابد. اگر دعوا بدون این تمایز ثبت شود، فرآیند رسیدگی و اجرای حکم در مراحل بعد با بی‌نظمی و اختلاف در شمول اشخاص مواجه خواهد شد. در تجربه‌های عملی

پرونده‌های جمعی مصرف‌کننده نیز نشان داده شده که طراحی اطلاع‌رسانی و ثبت و پردازش ادعاها از همان ابتدا به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر مدیریت پرونده دیده می‌شود، چون روی نرخ مشارکت و امکان اجرای واقعی نتیجه اثر مستقیم دارد.^۱

به نظر می‌رسد، ثبت دعاوی گروهی باید متضمن تشخیص اولیه جمعی بودن دعوا، تفکیک آن از دعاوی فردی و مستندسازی معیار شمول اعضای گروه باشد. این اقدام می‌تواند مبنای نظم اجرایی رأی در مراحل بعد قرار گیرد و از بروز اختلاف‌های گسترده در مرحله اجرای حکم جلوگیری کند. در شیوه طرح دعاوی گروهی، یکی از مسائل شکلی اساسی آن است که آیا ذکر خواهان یا خواهان‌ها به‌صورت فردی در دادخواست الزامی است یا معرفی گروه بر اساس وصف حقوقی کفایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد، الزام به ذکر اسامی تمامی اعضای گروه در مرحله طرح دعوا، با منطق سامان‌دهی جمعی این دعاوی سازگار نیست. آن چه در این مرحله اهمیت دارد، قابلیت شناسایی گروه بر مبنای معیارهای روشن و قابل احراز است، نه معرفی فردی همه اعضا؛ امری که در ادبیات دعاوی جمعی نیز مورد تأکید قرار گرفته است^۲ (نهرینی و یوسف‌زاده، ۱۴۰۱، ۶۷).

۱-۲- نحوه تنظیم دادخواست در دعاوی گروهی

در دعاوی گروهی، دادخواست صرفاً ابزار طرح یک ادعای شخصی نیست، بلکه چهارچوب شکلی رسیدگی و اجرای آتی رأی را ترسیم می‌کند. در این نوع دعاوی، تمرکز بر این است که گروهی از اشخاص، به دلیل ارتکاب رفتار واحد یا مشابه از سوی خواننده، دارای ادعای مشترک و هم‌سنخ باشند و امکان طرح دعوا بدون نیاز به حضور تک‌تک اعضای گروه فراهم گردد (نهرینی و یوسف‌زاده، ۱۴۰۱، ۶۷). در مقابل، وضعیت خواننده یا خوانندگان در دعاوی گروهی تابع ملاحظات متفاوتی است. اگرچه آثار دعوا ممکن است متوجه گروهی از اشخاص باشد، اما تعیین خواننده باید به‌گونه‌ای انجام

۱- Federal Trade Commission

۲- در این معنا، نماینده یا نمایندگان شکلی گروه صرفاً نقش آغازگر دادرسی را دارند و نمایندگی ماهوی اعضا، محل بحث

این پژوهش نیست

گیرد که امکان صدور رأی مؤثر و اجرای منسجم آن فراهم گردد. از این رو، در مرحله تنظیم دادخواست، تعیین دقیق خواننده یا خواندگان و تبیین نقش آنان در ایجاد وضعیت مورد دعوا، واجد اهمیت شکلی ویژه‌ای است و ابهام در این زمینه می‌تواند فرآیند اجرای حکم را با دشواری‌های جدی مواجه سازد (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۸).

در تنظیم دادخواست، معرفی اعضای گروه می‌تواند مبتنی بر معیارهای توصیفی و حقوقی مشترک باشد، نه الزاماً معرفی فردی همه ذینفعان. این شیوه موجب می‌شود دادگاه بتواند در مراحل بعد، فرآیند رسیدگی و اجرای رأی را بر مبنای یک چهارچوب جمعی سامان دهد. دادخواست دعاوی گروهی باید به گونه‌ای تنظیم شود که دامنه شمول رأی، معیار تشخیص اعضای گروه و حدود تعهد خواننده از ابتدا روشن و قابل اعمال در مرحله اجرا باشد. هرگونه ابهام در این بخش، در مرحله اجرای حکم به اختلاف در شناسایی محکوم‌له‌ها و نحوه توزیع محکوم‌به منجر خواهد شد.

یکی دیگر از مسائل شکلی در مرحله طرح دعاوی گروهی، تعیین تکلیف هزینه دادرسی است. تحمیل هزینه دادرسی به تمامی اعضای بالقوه گروه در مرحله آغازین، عملاً می‌تواند مانعی جدی در بهره‌گیری از این سازوکار باشد. به نظر می‌رسد در چهارچوب شکلی دعاوی گروهی، پرداخت هزینه دادرسی توسط نماینده یا نمایندگان شکلی گروه کفایت می‌کند و تعیین سهم سایر ذینفعان می‌تواند به مرحله اجرای حکم یا توزیع محکوم‌به موکول شود؛ رویکردی که با هدف تسهیل دسترسی جمعی به عدالت همخوانی بیشتری دارد (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۸).

۱-۳- سامان‌دهی شکلی گروه و تعیین معیار شمول اعضاء

تعیین دادگاه صالح در دعاوی گروهی باید با ملاحظه آثار جمعی دعوا انجام گیرد. تمرکز صرف بر محل اقامت هر یک از خواهان‌ها می‌تواند به پراکندگی صلاحیت و تشتت رسیدگی منجر شود. از این رو، تعیین دادگاه صالح باید به گونه‌ای صورت گیرد که امکان رسیدگی متمرکز و اجرای منسجم رأی فراهم شود؛ به‌ویژه با توجه به محل وقوع رفتار واحد یا محل استقرار خواننده اصلی. یکی از مسائل اساسی در شیوه طرح

دعای گروهی، نحوه تعریف گروه و تعیین معیار شمول اعضای آن است. در دعاوی گروهی، ممکن است اعضای گروه در زمان طرح دعوا به صورت دقیق شناسایی نشده باشند، اما از طریق وصف حقوقی مشترک و وضعیت مشابه قابل تعریف باشند (نهرینی و یوسفزاده، ۱۴۰۱، ۶۶).

چنان چه معیار شمول گروه به صورت مبهم یا کلی تعریف شود، در مرحله اجرا اختلاف در احراز عضویت اشخاص، اعتراض‌های گسترده و اطاله فرآیند اجرای حکم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در مقابل، تعریف دقیق معیار شمول در مرحله طرح دعوا، مبنای غربال‌گری منظم ذینفعان، تفکیک حقوق افراد و اجرای منظم رأی قرار می‌گیرد. به همین دلیل، یکی از الزامات شکلی دعاوی گروهی، پیش‌بینی سازوکاری برای احراز تدریجی عضویت افراد در گروه و ثبت مستند وضعیت آنان است؛ به گونه‌ای که واحد اجرای احکام بتواند بدون ورود به اختلاف‌های ماهوی، صرفاً بر مبنای معیارهای شکلی تصمیم‌گیری کند. در پرونده‌های موسوم به settlement class^۳ نیز مشاهده می‌شود که بخش مهمی از کارکرد عملی دعوا از ابتدا حول تعریف گروه، شیوه اطلاع‌رسانی و سازوکار ثبت ادعاها شکل می‌گیرد؛ به طوری که در داده‌های فدرال آمریکا بخش قابل توجهی از مصالحه‌ها ذیل settlement class انجام شده‌اند (Fitzpatrick, 2010, 819).

۱-۴- نقش دادگاه در کنترل شکلی اولیه و جلوگیری از انحراف دعوا

در مرحله آغاز رسیدگی، دادگاه باید نسبت به کنترل شکلی دعوا و جلوگیری از طرح دعاوی واهی یا فاقد قابلیت رسیدگی گروهی اقدام کند. در صورتی که حقوق دفاعی اعضای گروه یا خواندگان به درستی رعایت نشود، تشکیل جلسه دادرسی و ادامه رسیدگی می‌تواند از حیث شکلی مخدوش و فاقد اعتبار تلقی شود (نهرینی و یوسفزاده، ۱۴۰۱، ۶۶).

دادگاه در این مرحله باید رویکرد اجرایی‌محور^۴ اتخاذ کند؛ بدین معنا که هنگام بررسی

۳- یعنی گروهی که رسیدگی آن عملاً حول سازوکار مصالحه و نحوه اجرای مفاد آن سامان می‌یابد

۴- رویکرد اجرایی‌محور یعنی طراحی و کنترل شکلی، از ابتدا با نگاه به این که نتیجه چگونه باید در عمل اجرا شود صورت گیرد

دادخواست، صرفاً به پذیرش شکلی اکتفاء نکند، بلکه از همان ابتدا قابلیت اجرای رأی، امکان شناسایی محکوم‌له‌ها و قابلیت تفکیک حقوق افراد را مدنظر قرار دهد. در پرونده‌هایی که ذینفعان پراکنده‌اند نیز کیفیت اطلاع‌رسانی و نحوه طراحی دسترسی افراد به سازوکار مطالبه، مستقیماً بر امکان اجرای منظم نتیجه اثر می‌گذارد و دعاوی گروهی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.^۵ در پژوهش‌های داخلی نیز بر این نکته تأکید شده که ناکارآمدی شیوه‌های سنتی در پاسخگویی به نیازهای متنوع دعاوی، زمینه حرکت به سوی سازوکارهای جمعی را تقویت کرده است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۸).

۲- شیوه رسیدگی شکلی و مدیریت دادرسی در دعاوی گروهی

پس از طرح دعوی گروهی، نخستین وظیفه دادگاه، تثبیت چهارچوب شکلی رسیدگی به گونه‌ای است که دعوا از مسیر جمعی خود خارج نشود. در این مرحله، رسیدگی نباید به مجموعه‌ای از دعاوی فردی پراکنده تبدیل گردد، بلکه باید بر محور واحد دعوا و معیارهای شمول گروه سامان یابد. اگر دادگاه در ابتدای رسیدگی، محدوده شکلی دعوا و دامنه آن را روشن نکند، روند دادرسی به تدریج دچار پراکندگی شده و امکان صدور رأی منسجم و قابل اجرا تضعیف خواهد شد.

تثبیت چهارچوب شکلی دادرسی در این مرحله، شامل شناسایی موضوع مشترک، تحدید دامنه رسیدگی و جلوگیری از ورود مطالب خارج از ساختار گروهی است. این اقدام نه ورود به ماهیت دعوا محسوب می‌شود و نه محدودسازی حقوق دفاعی، بلکه شرط لازم برای مدیریت مؤثر دادرسی گروهی است؛ امری که در ادبیات دعاوی گروهی نیز به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های کارآمدی این سازوکار مورد تأکید قرار گرفته است (نهرینی و یوسف‌زاده، ۱۴۰۱، ۶۶).

۲-۱- مدیریت شکلی جلسات دادرسی در پرونده‌های گروهی

رسیدگی به دعوی گروهی مستلزم مدیریت فعال جلسات دادرسی از سوی دادگاه است. در این نوع دعاوی، تعدد ذینفعان و گستردگی آثار دعوا اقتضاء می‌کند که جلسات رسیدگی با نظم شکلی

مشخص بر گزار شود. در غیر این صورت، هر جلسه ممکن است به محلی برای طرح ادعاهای فردی و خروج تدریجی دعوا از چهارچوب جمعی تبدیل گردد. دادگاه باید با تعیین دستور جلسه، تحدید موضوعات قابل طرح و هدایت استماع دفاعیات، از فرسایشی شدن دادرسی جلوگیری کند. مدیریت شکلی جلسات، به معنای مداخله در ماهیت اختلاف نیست، بلکه تضمین کننده تمرکز رسیدگی بر عناصر مشترک دعوا است؛ امری که نقش مستقیم در امکان اجرای منظم رأی نهایی دارد. مطالعات تجربی در دعاوی گروهی نشان داده‌اند که کیفیت مدیریت دادرسی و نحوه هدایت فرآیند رسیدگی، تأثیر مستقیمی بر مشارکت ذینفعان و قابلیت اجرای نتیجه دارد (Fitzpatrick, 2010, 819).

۲-۲- رسیدگی شکلی به ورود، خروج و جایگزینی اعضای گروه

یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر دعاوی گروهی، تحرک ترکیب اعضای گروه در طول دادرسی است. برخی اشخاص ممکن است در جریان رسیدگی مدعی شمول در گروه شوند و برخی دیگر از ادامه دعوا انصراف دهند. اگر دادگاه نسبت به این تحولات فاقد چهارچوب شکلی روشن باشد، انسجام دعوا و قابلیت اجرای رأی به شدت آسیب خواهد دید.

به نظر می‌رسد، رسیدگی به ورود یا خروج اعضای گروه باید بر اساس معیارهای شکلی از پیش تثبیت شده انجام شود. در این چهارچوب، دادگاه صرفاً بررسی می‌کند که آیا شخص مورد نظر با معیارهای شمول گروه منطبق است یا خیر؟ بدون آن که وارد بررسی ماهوی حق ادعایی وی شود. این رویکرد، از یک سو مانع اطاله دادرسی می‌شود و از سوی دیگر، اجرای حکم نهایی را قابل پیش‌بینی و منظم می‌سازد. در دعاوی جمعی مرتبط با مصرف‌کنندگان نیز تأکید شده است که عدم سامان‌دهی شکلی ورود و خروج اعضا، از عوامل اصلی بی‌نظمی در مرحله اجرای حکم محسوب می‌شود^۶

۲-۳- سامان‌دهی شکلی ادله و مستندات در دادرسی گروهی

در دعاوی گروهی، حجم ادله و مستندات ارائه‌شده معمولاً بسیار گسترده‌تر از دعاوی فردی است.

اگر دادگاه نسبت به این ادله کنترل شکلی منسجم اعمال نکند، فرآیند رسیدگی با انباشت اسناد تکراری، غیر مرتبط یا فاقد اثر اجرایی مواجه خواهد شد. این وضعیت، نه تنها دادرسی را کند می‌کند، بلکه صدور رأی منسجم و اجرای مؤثر آن را نیز دشوار می‌سازد.

دادگاه باید با تجمیع ادله مشابه، تحدید مستندات مرتبط با معیار شمول گروه و جلوگیری از ورود اسناد زائد، رسیدگی را از حیث شکلی سامان دهد. کنترل شکلی ادله، به معنای ارزیابی ماهوی ارزش اثباتی آن‌ها نیست، بلکه ناظر بر نظم‌بخشی ساختاری به فرآیند دادرسی است؛ امری که نقش مستقیم در قابلیت اجرای حکم نهایی دارد (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۸).

۳- شیوه صدور رأی و نحوه اجرای احکام در دعاوی گروهی

در دعوی گروهی، رأی دادگاه اگرچه در ظاهر حکم است، اما در عمل باید به گونه‌ای تنظیم شود که خود رأی، نقشه اجرای حکم باشد؛ یعنی از همان متن رأی بتوان فهمید چه کسانی ذینفع‌اند؟ معیار شمول چیست؟ چه چیزی دقیقاً باید اجرا شود؟ و اجرا از چه مسیر اداری یا قضایی پیش برود؟ اگر رأی صرفاً به ادبیات کلی اکتفا کند و عناصر اجرایی را روشن نکند، اجرای حکم به مرحله‌ای مستقل و پرمناقشه تبدیل می‌شود و هسته گروهی دعوا در اجرا فرو می‌ریزد. دادگاه در دعوی گروهی باید رأی را نه به عنوان پایان رسیدگی بلکه به عنوان آغاز اجرای سازمان‌یافته ببیند؛ دقیقاً همان جایی که تفاوت دعوی گروهی با دعوی فردی خود را نشان می‌دهد (Rothstein&Willging, 2025, 11).

از حیث شکلی، رأی در دعوی گروهی معمولاً ناگزیر از تعریف اجرایی گروه است؛ یعنی دادگاه باید معیارهای شمول اعضاء را به نحوی درج کند که در اجرای حکم، بتوان افراد را با یک معیار قابل احراز شناسایی کرد و از ورود اختلافات تازه جلوگیری نمود. تجربه عملی در پرونده‌های گروهی نشان می‌دهد هرچه تعریف گروه در رأی، اجرایی‌تر و قابل آزمون‌تر باشد، اختلافات پس از رأی کمتر می‌شود و اجرای حکم با سرعت و دقت بیشتری پیش می‌رود (Rothstein&Willging, 2025, 11). در همین چهارچوب، در تبیین نقش نماینده گروه نیز باید توجه

داشت که نماینده شکلی گروه در مرحله اجرا نیز غالباً محور ارتباط و پیگیری است، اما اجرای حکم نباید به حضور فعال تک تک اعضاء وابسته شود؛ چون این وابستگی عملاً سازوکار جمعی را به دعاوی انفرادی متعدد تبدیل می کند (Miller, 2007, 6).

بررسی ها نشان می دهد، رأی قابل اجرا در دعاوی گروهی معمولاً باید چهار عنصر را در خود داشته باشد: نخست، تعیین دقیق موضوع اجرا، مثلاً محکومیت به پرداخت، اصلاح رفتار، توقف رویه، یا ترکیبی از این ها؛ دوم، معیار شمول اعضای گروه؛ سوم، شیوه احراز و رسیدگی به ادعای عضویت و میزان استحقاق در مرحله اجرا؛ چهارم، چهارچوب نظارت دادگاه بر فرآیند اجرا. اگر هر کدام از این عناصر در رأی مغفول بماند، اجرای حکم یا متوقف می شود یا به اختلافات خرد و بی پایان می انجامد (Rothstein & Willging, 2025, 30).

۳-۱- اجرای حکم

باید به این پرسش پاسخ داد که آیا اجرائیه به صورت کلی صادر می شود یا هر عضو گروه باید اجرائیه جداگانه بگیرد؟ نقطه آغاز تحلیل اجرایی این است که اجرائیه ابزار عملیاتی اجرای رأی است و در دعاوی گروهی، طراحی اجرائیه تابع طراحی رأی است. هر قدر رأی، معیار شمول و روش احراز را روشن تر و اجرایی تر تعریف کرده باشد، زمینه صدور اجرائیه کلی و اجرای متمرکز افزایش می یابد؛ و برعکس، هر قدر رأی کلی گویی کرده باشد، اجرای حکم ناچار به سمت قطعه قطعه شدن و اجرائیه های پراکنده می رود.

در سطح عملی، اجرائیه کلی زمانی کارآمد است که موضوع اجرا ماهیتاً گروهی باشد؛ مانند الزام به توقف یک رویه، اصلاح یک رفتار، یا اجرای یک تعهد واحد نسبت به گروهی که معیار شمول آنان روشن است. در این حالت، اجرا بیشتر ناظر بر تکلیف خواننده است تا مطالبه تک تک ذینفعان و یک اجرائیه کلی می تواند با نظارت دادگاه و واحد اجرا، اثر اصلی رأی را محقق کند (Rothstein & Willging, 2025, 39). اما در جایی که محکوم به ماهیتاً فردمحور است مثلاً پرداخت مبالغ

متفاوت به افراد متعدد، اجرای مؤثر معمولاً نیازمند سازوکاری است که در آن، افراد با یک مسیر استاندارد^۷ میزان استحقاق خود را احراز کنند؛ در چنین وضعی، حتی اگر اجرائیه واحد باشد، فرایند پرداختی که درون اجرائیه مشخص شده است، ناگزیر از تفکیک محاسبات و احرازهای فردی است (Rothstein&Willging,2025,30).

دو گانه کلی یا جداگانه را نباید صرفاً به صورت شکلی دید، بلکه باید بر مبنای این معیار تنظیم کرد که آیا اجرای حکم بدون ورود پرونده‌های متعدد ثانوی ممکن است یا خیر؟ با تحلیل بیشتر مشخص شد که اگر رأی و اجرائیه به نحوی تنظیم شود که یک مسیر واحد جهت احراز ذینفع و پرداخت محکوم به تعریف کند، مثلاً با تعیین متولی رسیدگی به درخواست‌ها و معیارهای محاسبه، اجرای حکم می‌تواند با یک اجرائیه پیش برود، ولو این که درون آن به افراد متعدد پرداخت شود. اما اگر رأی چنین مسیر واحدی نداشته باشد، هر ذینفع مجبور می‌شود مطالبه خود را جداگانه پیگیری کند و در عمل، پرونده به تعداد اعضای گروه تکثیر می‌شود؛ که این نتیجه، برخلاف فلسفه اجرایی دعوای گروهی است.

۳-۲- سازوکارهای اجرایی پس از صدور رأی

در اجرای احکام گروهی به‌ویژه در محکومیت‌های مالی، دادگاه معمولاً با سه گره اجرایی روبرو است؛ نخست، چگونه اشخاص ذینفع از رأی و امکان مطالبه حق مطلع شوند؟ دوم، چگونه ادعاهای عضویت و میزان استحقاق رسیدگی و غربال شوند؟ سوم، چگونه پرداخت یا جبران خسارت به صورت منظم و قابل نظارت انجام گیرد؟ در تجربه عملی دعوای گروهی، اطلاع‌رسانی و پردازش ادعاها بخشی از خود اجرای حکم است، نه امر حاشیه‌ای؛ و اگر این بخش‌ها استاندارد نشود، اجرای حکم یا متوقف می‌شود یا به بی‌نظمی می‌انجامد (Rothstein&Willging,2025,26).

در خصوص اطلاع‌رسانی، ملاک اجرایی این است که روش اطلاع‌رسانی باید متناسب با ابعاد

۷- یعنی فرایند استاندارد دریافت، بررسی و تصمیم‌گیری درباره درخواست‌های اعضای گروه برای بهره‌مندی از محکوم‌به

گروه و ماهیت حق باشد؛ یعنی در مواردی که اعضاء قابل شناسایی اند، اطلاع‌رسانی مستقیم اولویت دارد و در مواردی که اعضاء پراکنده یا ناشناس اند، اطلاع‌رسانی عمومی و چندکاناله ضرورت پیدا می‌کند. با استفاده از تجربه سایر کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، دادگاه در رأی یا دستور اجرای پس از رأی باید روش اطلاع‌رسانی را به‌عنوان بخشی از طرح اجرا تعیین کند، نه این که آن را به ابتکار اشخاص واگذار نماید؛ زیرا واگذاری کامل، هم خطر تضییع حق را بالا می‌برد و هم زمینه اختلافات اجرایی را تشدید می‌کند (Rothstein&Willging,2025,11).

در مرحله رسیدگی به ادعاها، تجربه‌های عملی در پرونده‌های گروهی نشان می‌دهد اگر معیارهای احراز و مسیر رسیدگی روشن نباشد، بخشی از منابع اجرا صرف رسیدگی به ادعاهای ناقص یا غیرواقعی می‌شود و بازدهی نظام جبران خسارت کاهش می‌یابد (Fitzpatrick,2010,819). به همین دلیل، در بسیاری از الگوهای عملی، یک فرایند استاندارد ادعا تعریف می‌شود که در آن، مدارک لازم، معیار پذیرش یا رد و مرجع رسیدگی به اعتراضات مشخص است و دادگاه نقش نظارتی خود را حفظ می‌کند تا این فرایند از مسیر عدالت و کارآمدی خارج نشود (Rothstein&Willging,2025,30).

در نهایت، در توزیع محکوم‌به، مسئله اصلی این است که پرداخت‌ها باید قابل ردیابی و قابل حسابرسی باشد؛ یعنی معلوم باشد چه میزان محکوم‌به وصول شده، چه میزان پرداخت شده، چه میزان ادعا رد شده و باقیمانده چگونه تعیین تکلیف می‌شود. به نظر می‌رسد، این نقطه دقیقاً جایی است که نظم اجرایی اهمیت پیدا می‌کند. دادگاه باید گزارش دوره‌ای، سازوکار اعتراض و کنترل تضاد منافع در مدیریت توزیع را در اجرائیه لحاظ کند. در اسناد مربوط به جبران خسارت جمعی نیز در اروپا به درستی بر نقش ترتیبات عملی و تضمین‌های ضد سوءاستفاده در کارآمدی جبران جمعی تأکید شده است و مورد استفاده کشورهای اروپایی قرار می‌گیرد.^۸

۸- European Commission

۳-۳- نظارت پس از صدور رأی

اجرای احکام گروهی همیشه به پرداخت پول خلاصه نمی‌شود. در بسیاری از پرونده‌ها، هدف اجرای حکم توقف یک رویه، اصلاح سازوکار، یا تغییر رفتار سازمانی است. این نوع اجرا، ذاتاً به «نظارت پس از رأی»^۹ نیاز دارد؛ زیرا بدون نظارت، اجرای تعهدات غیرمالی به تأخیر می‌افتد یا ظاهری و صوری می‌شود. در این گونه موارد، دادگاه باید در رأی یا دستور اجرای پس از رأی، شاخص‌های ارزیابی اجرای تعهد، مهلت‌های اجرایی و ابزارهای پیگیری را مشخص کند؛ وگرنه رأی در حد اعلام حق باقی می‌ماند و به نتیجه عملی نمی‌رسد (Rothstein & Willging, 2025, 39).

شکست در مرحله اجرای حکم در دعوای گروهی معمولاً از دو علت ناشی می‌شود؛ نخست، رأی فاقد طراحی اجرایی است و دوم، اجرا فاقد نظام نظارت و پردازش استاندارد ادعا است. بنابراین، اگر قرار است دعوای گروهی واقعاً ابزار اجرای حق باشد، باید اجرای آن به اندازه طرح آن جدی گرفته شود. بهترین معیار برای سنجش کیفیت رأی در دعوای گروهی این است که آیا اجرای آن بدون تکثیر دعوای فرعی و بدون تولید اختلافات جدید ممکن است یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، مشکل غالباً در شکل رأی و اجرائیه صادره نهفته است.

۴- پیشنهادات شکلی و اجرایی برای تکمیل شیوه طرح، رسیدگی و اجرای دعوای گروهی

پس از بررسی شیوه طرح دعوا، نحوه رسیدگی شکلی و فرآیند اجرای احکام در دعوای گروهی، روشن می‌شود که بخش قابل توجهی از ناکارآمدی‌های عملی این نهاد، نه ناشی از فقدان مبنای ماهوی، بلکه حاصل فقدان مداخلات شکلی هدفمند و هماهنگ است. در عمل، هرگاه دادگاه از مداخله شکلی پرهیز کرده و همه امور را به قواعد عمومی دعوای فردی واگذار کرده است، دادرسی گروهی به تدریج به مجموعه‌ای از اختلافات پراکنده تبدیل شده و اجرای حکم با دشواری‌های جدی مواجه گردیده است.

مداخله شکلی دادگاه در دعوای گروهی نه تنها مغایر اصل بی‌طرفی نیست، بلکه شرط لازم برای حفظ ماهیت گروهی دعوا است. این مداخله باید دقیقاً در مرز شکلی باقی بماند؛ یعنی دادگاه بدون

۹- منظور از نظارت پس از رأی استمرار صلاحیت دادگاه در حد کنترل اجرای مفاد رأی و رسیدگی به

اختلافات اجرایی ناشی از نحوه اجرا است، نه ورود مجدد به ماهیت اختلاف

ورود به ماهیت ادعا، ساختار رسیدگی، دامنه شمول گروه، مسیر پیگیری حقوق و چهارچوب اجرای رأی را سامان دهد. تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که هرگونه تعلل در این زمینه، موجب انتقال بار تصمیم‌گیری شکلی به مرحله اجرا می‌شود؛ مرحله‌ای که ذاتاً برای چنین تصمیماتی مناسب نیست (نهرینی و یوسف‌زاده، ۱۴۰۱، ۶۷). در همین چهارچوب، پیشنهاد می‌شود که مداخلات شکلی دادگاه به صورت نظام‌مند و قابل پیش‌بینی اعمال شود، نه موردی و واکنشی. چنین رویکردی هم امنیت حقوقی طرفین را افزایش می‌دهد و هم از ایراد دخالت ماهوی دادگاه پیشگیری می‌کند.

۴-۱- مرحله غربال شکلی و تثبیت مسیر دادرسی گروهی

یکی از مهم‌ترین خلأهای عملی در دعاوی گروهی، فقدان مرحله‌ای مشخص برای غربال شکلی^{۱۰} دعوا پیش از ورود به رسیدگی است. در فقدان این مرحله، بسیاری از تصمیمات شکلی اساسی مانند تعیین دامنه گروه، نحوه ورود اشخاص، یا مسیر اجرای رأی به مراحل بعدی موکول می‌شود؛ امری که هم رسیدگی را فرسایشی می‌کند و هم اجرای حکم را با اختلافات ثانویه مواجه می‌سازد. پیش‌بینی یک مرحله غربال شکلی که دادگاه در آن صرفاً عناصر شکلی دعوا را تثبیت کند، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی کل فرآیند داشته باشد. در این مرحله، دادگاه بدون ورود به ماهیت، معیار شمول گروه، نماینده شکلی، چهارچوب اطلاع‌رسانی و مسیر کلی اجرای حکم را مشخص می‌کند. این تصمیمات نه رأی ماهوی‌اند و نه موجب پیش‌داوری، بلکه نقشه راه دادرسی و اجرای آتی را ترسیم می‌کنند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۸).

در اسناد عملی مرتبط با مدیریت دعاوی جمعی در ایالات متحده آمریکا نیز تأکید شده است که فقدان چنین غربالی، موجب می‌شود اختلافات شکلی به مرحله اجرا منتقل شود و اجرای حکم به جای آن که فرایندی فنی و منظم باشد، به عرصه منازعات تازه و تکرر دعاوی فردی تبدیل گردد.^{۱۱}

۴-۲- استانداردسازی ابزارهای شکلی از طرح دعوا تا اجرا

یکی از نتایج مستقیم فقدان نگاه شکلی منسجم، استفاده از ابزارهای غیرمتناسب با ماهیت گروهی دعوا است. دادخواست، دستور اطلاع‌رسانی و سازوکار رسیدگی به ادعاهای اعضای گروه، در عمل

۱۰- غربال شکلی به مرحله‌ای گفته می‌شود که دادگاه پیش از ورود به ماهیت، عناصر ساختاری دعوا را تثبیت می‌کند

غالباً با الگوی دعاوی فردی تنظیم می‌شوند؛ در حالی که این ابزارها باید پاسخ‌گوی آثار جمعی رأی باشند. باید توجه داشت، استانداردهای ابزاری شکلی به‌ویژه دادخواست گروهی و فرایند ادعا^{۱۲} می‌تواند بدون نیاز به اصلاح قانون، نظم قابل توجهی به دعاوی گروهی ببخشد. در تجربه‌های عملی، طراحی یک فرایند ادعای مشخص و قابل پیش‌بینی موجب کاهش ادعاهای غیرواقعی و افزایش کارآمدی اجرای حکم شده است (Fitzpatrick, 2010, 819). همچنین کیفیت اطلاع‌رسانی و دسترسی اعضای گروه به مسیر مطالبه، تأثیر مستقیمی بر امکان تحقق عملی نتیجه دعوا دارد.^{۱۳}

در این چهارچوب، پیشنهاد می‌شود دادگاه‌ها در همان مراحل اولیه، چهارچوب ابزاری شکلی را مشخص و از تغییر مکرر آن‌ها در طول دادرسی پرهیز کنند؛ زیرا تغییرات پی‌درپی، هم‌رسیدگی را مختل می‌کند و هم اجرای حکم را بی‌ثبات می‌سازد.

۴-۳- الگوی شکلی یکپارچه برای صدور رأی و اجرای حکم گروهی

نقطه تلاقی تمام مباحث این پژوهش، مرحله‌ای است که رأی صادر و وارد فرآیند اجرا می‌شود. پرسش از صدور اجرائیه کلی یا اجرائیه‌های جداگانه، در واقع پرسش از کیفیت طراحی شکلی رأی و صدور اجرائیه است. هر چه رأی از حیث معیار شمول، مسیر احراز و نحوه اجرا دقیق‌تر طراحی شده باشد، امکان اجرای متمرکز افزایش می‌یابد و نیاز به اجراهای پراکنده کاهش یافته و سرعت تحقق نتیجه دعاوی گروهی بیشتر می‌شود (Fitzpatrick, 2010, 811).

الگوی مطلوب اجرای حکم در دعاوی گروهی الگویی است که در آن، اجرای رأی از طریق یک مسیر واحد و تحت نظارت دادگاه انجام شود؛ حتی اگر درون این مسیر، حقوق افراد به‌صورت جداگانه محاسبه و پرداخت گردد. همان‌طور که تجربه شده است، چنین الگویی مانع از تکثیر دعاوی اجرایی می‌شود و ماهیت جمعی دعوا را تا آخرین مرحله حفظ می‌کند (Rothstein & Willging, 2025, 30). در نهایت، بررسی‌ها نشان می‌دهند که اصلاح دعاوی گروهی بیش از هر چیز به انسجام شکلی از آغاز تا پایان وابسته است. اگر طرح دعوا، رسیدگی، صدور رأی، صدور اجرائیه و اجرای حکم در یک زنجیره شکلی هماهنگ قرار گیرند، دعاوی گروهی می‌تواند به‌عنوان ابزاری عملی و قابل اتکاء در نظام دادرسی ایفای نقش کند؛ در غیر این

۱۲- فرایند ادعا سازوکاری است که اعضای گروه از طریق آن، استحقاق خود را در مرحله اجرا اعلام و اثبات می‌کنند

صورت، حتی صحیح‌ترین آراء نیز در مرحله اجرا با شکست مواجه خواهند شد.

نتیجه

بررسی انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که کارآمدی دعاوی گروهی بیش از هر چیز به نحوه طراحی و مدیریت شکلی آن‌ها وابسته است، نه به مباحث ماهوی یا نظری مرتبط با این نهاد. آن چه در عمل موجب ناکارآمدی یا دشواری اجرای این نوع دعاوی می‌شود، فقدان الگوی روشن برای شیوه طرح دعوا، مدیریت رسیدگی شکلی، تنظیم رأی با آثار جمعی و سازمان‌دهی مرحله اجرای حکم است. در نتیجه، حتی در مواردی که رأی از حیث ماهوی صحیح صادر می‌شود، نبود سازوکارهای شکلی مناسب می‌تواند اجرای آن را با اختلال مواجه سازد.

در این پژوهش نشان داده شد که طرح دعاوی گروهی نیازمند چهارچوبی متفاوت از دعاوی فردی است و باید از همان آغاز، معیار شمول گروه، نحوه تنظیم دادخواست، وضعیت طرفین دعوا و مسیر رسیدگی شکلی به‌گونه‌ای طراحی شود که از پراکندگی رسیدگی و طرح دعاوی موازی جلوگیری گردد. همچنین در مرحله رسیدگی، نقش دادگاه صرفاً در صدور رأی خلاصه نمی‌شود، بلکه مدیریت شکلی فرآیند دادرسی، کنترل ورود و خروج اشخاص و سامان‌دهی ادله، از عناصر اساسی حفظ انسجام دعوا به شمار می‌آیند. در مرحله صدور رأی و اجرای احکام نیز روشن شد که کارآمدی دعاوی گروهی در گرو طراحی رأی است که قابلیت اجرا داشته باشد و بتواند آثار جمعی خود را بدون تکثیر دعاوی اجرایی محقق کند. ابهام در نحوه اجرای حکم، نحوه صدور اجرائیه و مسیر پیگیری حقوق افراد، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند نتیجه دادرسی را از حیث عملی بی‌اثر سازد. از این رو، پیوند میان شیوه طرح دعوا و نحوه اجرای حکم، پیوندی بنیادین و تعیین‌کننده است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهند که می‌توان بدون تغییرات ماهوی در قوانین موجود، از طریق تقویت مداخله شکلی دادگاه، استانداردسازی ابزارهای دادرسی گروهی و طراحی الگوی منسجم برای صدور و اجرای احکام، کارآمدی این سازوکار را به میزان قابل توجهی افزایش داد. به نظر می‌رسد، توسعه عملی دعاوی گروهی در نظام دادرسی بیش از آن که به اصلاحات تقنینی گسترده نیاز داشته باشد، مستلزم شکل‌گیری رویه‌های قضایی منسجم و اجرای محور است. در نهایت، دعاوی گروهی زمانی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در نظام دادرسی مدنی ایفای نقش کند که از

مرحله طرح تا اجرای حکم، در قالب یک ساختار شکلی هماهنگ و قابل پیش‌بینی سامان یابد. در غیر این صورت، این نهاد صرفاً در سطح نظری باقی خواهد ماند و ظرفیت آن برای حل و فصل اختلافات جمعی و کاهش بار نظام قضایی تحقق نخواهد یافت.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- محسنی، حسن؛ غفاری‌فارسانی، بهنام؛ شوشی‌نسب، نفیسه، ۱۳۹۱، دعاوی جمعی و نقش آن‌ها در احقاق حقوق مصرف‌کنندگان، **فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، شماره ۱.
- نهرینی، فریدون و یوسف‌زاده، صمد، ۱۴۰۱، دعاوی جمعی عام بر مدار خواندگان و اشخاص همگروه آن‌ها، **فصلنامه دانش حقوق مدنی**، شماره ۲۱.

لاتین

- Fitzpatrick, Brian T., 2010, An Empirical Study of Class Action Settlements and Their Fee Awards. *Journal of Empirical Legal Studies*.
- Federal Trade Commission. *Consumer Redress Mechanisms in Collective Litigation*. Washington, D.C., 2013.
- Federal Trade Commission. *Class Action Administration and Claims Resolution*. Washington, D.C., 2014.
- Federal Trade Commission. *Class Action Fairness Act and Consumer Redress*. Washington, D.C., 2015.
- Federal Trade Commission. *Consumer Class Actions and Notice Practices: A Study*. Washington, D.C., 2016.
- European Commission. *Collective Redress: Towards a More Coherent European Approach*. Brussels, European Union, 2013.
- Miller, Geoffrey P., 2007, *Litigation Governance in Class Actions*. *Vanderbilt Law Review*.
- Rothstein, Paul F., Willging, Thomas E., 2005, *Managing Class Action Litigation: A Pocket Guide for Judges*. Federal Judicial Center, Washington, D.C.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

- Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits
Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi
- The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System
Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama
- How to File Class Action Lawsuits and How to Enforce Their Rulings
Rahim Mokhtari, Ali Soltani Shirzade
- Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law
Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya
- Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country
Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi
- The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms
Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz
- Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System
Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani
- Liability of Building Builders and Rights of Neighbors Due to Construction Noise Pollution
Rahim Mokhtari, Nazanin Zahra Joukar
- Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran
Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei
- Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps
Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour
- An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court
Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi
- Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim
Habibollah Abdollah Poor, Mahdi Shojayi
- Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System
Iraj Morvati, Naghme Farhood
- Agreement of the Parties to Refer the Case to Arbitration at the Appeal Stage
Rahim Mokhtari, Zahra Emadi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh
- The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts
Hadi Zare, Majid Vaziri
- Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England
Zeinab Tari
- Liability of the Developer and the Rights of Adjacent Property Owners Arising from the Use of Tower Cranes
Rahim Mokhtari, Ehsan Yosefi
- Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law
Amirreza Alitabar
- The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking
Mahbobeh Talebi Rostami
- Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law
Sayyed Amirhasan Mostafavi
- Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users
Vahid Kioumars
- Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law (with a Look at International Documents)
Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid
- The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption
Sayyede Mahshid Miri Balajorshari
- Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property
Sina Yousefi
- Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems
Rahim Mokhtari, Ebrahim Shiravani
- an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government
Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi
- Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale
- Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests
Radmehr Rahmani Golafshan
- Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar
Abdolmajid Yousefi
- The Approach of Judicial Procedure in Restoring Proceedings by Adding Persons to the Proceedings
Rahim Mokhtari, Saeid Shiravani
- Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine
Yasser Shakeri